

# حمورابی، پادشاه بابل

• حسین شیخ

به قلم پروفسان شیل (P.Scheil) در گزارش‌های هیأت فرانسوی در ایران در سال ۱۹۰۲ به چاپ رسید. با انتشار این ترجمه روز به روز بر شهرت حمورابی افزوده می‌شد و نوشته‌های فراوانی درباره او و قانون‌نامه‌اش به زبان‌های مختلف منتشر می‌شد.<sup>۱</sup> اما باز آگاهی و اخبار درباره حمورابی بسیار کم بود.

این نقص با کشف اسناد «ماری» برطرف شد و آگاهی از حوادث دوره حمورابی دچار تحول عظیمی گردید، و متعاقب آن از شهرت حمورابی کاسته شد.<sup>۲</sup> چرا که برخلاف تصورات اولیه او در شانزده سال نخست سلطنتش صاحب سرزمینی کوچک بود و زیر سایه پادشاه بزرگ بین النهرين شمالی، شمشی آدد بود<sup>۳</sup> و در تنها ده سال آخر حکومت ۴۳ ساله‌اش صاحب قلمرو وسیعی شد. گرچه این قلمرو نیز به آن بزرگی که پنداشته می‌شد نبوده است.

با این‌همه، حمورابی یکی از پادشاهان خوش اقبال بین النهرين باستان است که اسناد فراوانی درباره زندگی و حوادث زمانه او به دست ما وسیده است. کتاب حمورابی، پادشاه بابل نخستین کتاب به زبان انگلیسی است که به کمک این اسناد و به طور مشروح به زندگی و حوادث زمان این پادشاه می‌پردازد.<sup>۴</sup>

کتاب شامل یازده فصل است. فصل اول درباره سال‌های آغازین حکومت حمورابی است. در این فصل، نخست اوضاع و احوال بین النهرين در اوایل سده نوزدهم و سده هجدهم پیش از میلاد بررسی می‌شود. اسناد موجود نشان می‌دهد که حمورابی در بیست و هشت سال اول حکومت ۴۳ ساله‌اش می‌کوشید تا چهره مثبتی از خود در داخل قلمرو اش نشان دهد و به همین منظور فرامینی دایر بر لغو دیون را صادر می‌کند.<sup>۵</sup>

فصل دوم به شکست و عقب‌نشینی عیلام از صحنه سیاسی بین النهرين می‌پردازد. با مرگ شمشی آدد، دویاره اوضاع سیاسی بین النهرين به دوران پیش از حکومت او برگشت و دولت - شهرهای متعدد سربرآوردند و به منازعه با هم پرداختند. در این میان، حمورابی می‌کوشید تا با کمک ماری و عیلام، اشلونا را فتح کند. اما عیلام که قدرتی حاشیه‌ای، اما نیرومند بود ماری و بابل را نه همدست که زیردست خود می‌شناخت و کوشید آن دو



■ King Hammurabi of Babylon

■ Marc Van De Mierop\*

■ Oxford Blackwell, 2005. xii + 171pp

در دسامبر ۱۹۰۱ و ژانویه ۱۹۰۲ در حفاری‌هایی که هیأت فرانسوی انجام می‌داد، تخته سنگ بزرگی از دیوریت سیاه به ارتفاع ۲ متر و ۳۵ سانتیمتر در نزدیکی معبد این شوشنیاک کشف گردید که پس از خواندن معلوم شد متعلق به حمورابی، پادشاه بابل است و محتوای آن قانون‌نامه‌ای شامل یک پیشگفتار، ۲۸۲ بند قوانین و مؤخره است.

این سنگنامه جزو غنایمی بود که در سده ۱۲ پیش از میلاد پس از تسخیر جنوب بین النهرين توسط شوتک ناخوشه اول، پادشاه شوش آورده شد. متعاقباً نخستین ترجمه این قانون نامه

اسناد موجود نشان می‌دهد که حمورابی در بیست و هشت سال اول حکومت ۴۳  
ساله‌اش می‌کوشید تا چهره مثبتی از خود در داخل قلمرو اش نشان دهد و به  
همین منظور فرامینی دایر بر لغو دیون را صادر می‌کند

تاریخ‌نویس معاصر در هنگام نوشتن زندگی حمورابی به شکاف‌های بسیاری  
برخورد می‌کند. از این رو تصویری که از او ارائه می‌شود تصویری پاره‌پاره است

می‌پردازد.  
شهر «هیت» برانگیزاندۀ اختلاف میان ماری و بابل  
بود. این شهر مرزی به علت داشتن قیر طبیعی برای عایق  
کردن قایقهای مورد نیاز بابل بود. از سوی دیگر ماری به دلیل  
این که مراسم اورالی<sup>۶</sup> در این شهر انجام می‌شد به آن جا توجه  
داشت. کشمکش بر سر این شهر و دخالت ماری در امور شمال  
بین النهرين باعث شد حمورابی این متحده پیشین و مزاحم جدید  
را از سر راه بردارد. شهر ماری پس از تصرف، ویران شد.<sup>۷</sup>

فصل هفت درباره چگونگی اداره دولت جدیدی است که  
حمورابی به وجود آورده بود. در این فصل نخست به پراکندگی  
جمعیتی و قومی کشور اشاره شده و سپس از اندیشه پادشاه  
کامل در بین النهرين سخن به میان می‌آید و در ادامه با عنایت  
نامه‌های حمورابی به کارکنانش در لارسا به نحوه اداره کشور  
توسط حمورابی پرداخته می‌شود. اسناد نشان می‌دهند که  
حمورابی حتی به امور بسیار جزئی نیز رسیدگی می‌کرد و در  
مورد آن‌ها فرمان صادر می‌نمود. نویسنده برخلاف تصویر عمومی  
محققان که حمورابی را فردی خود رأی و مستبد می‌دانند، او  
را نمونه اعلای پادشاه ارمانتی در بین النهرين می‌داند، چرا که  
پادشاه می‌باشد از تمام امور باخبر و بر اجرای صحیح آن‌ها  
نظر بود.<sup>۸</sup>

در فصل هشت به بررسی قانون نامه‌ای که شهرت حمورابی  
مديون آن است پرداخته می‌شود. در این فصل نویسنده مواد  
قانون نامه را در ده گروه دسته‌بندی می‌کند و به ساختار آن  
می‌پردازد.<sup>۹</sup> در پایان فصل نویسنده چنین نتیجه می‌گیرد که  
حمورابی پادشاه عدالت است؛ عنوانی که او مکرراً از آن در  
مقدمه قانون نامه‌اش استفاده می‌کند.

فصل نهم با این پرسش آغاز می‌شود که حمورابی چگونه  
آدمی بوده است؟ نویسنده از خلال نامه‌هایی که درباره حمورابی  
یا از او به جا مانده است به این پرسش پاسخ می‌دهد.  
او بر این باور است که ارائه تصویری کامل از شخصیت  
حمورابی به دلیل ماهیت منابع ممکن نیست، مثلاً ما نمی‌دانیم  
او کی به دنیا آمده است، چند فرزند و همسر داشته است و

را علیه یکدیگر تحریک کند. اما حمورابی با آگاه شدن از اقدام  
عیلام، به همراه ماری و دیگر فرمانروایان، عیلام را شکست داد  
و از سوی دیگر به علت شورش‌های داخلی عیلام مجبور به  
عقب‌نشینی شد. و از آن پس در طول دوران حمورابی، او در امور  
بین النهرين تأثیر بهسازانی نداشت و حاشیه نشین بود.

فصل سوم درباره فتح لارسا است. «لارسا» در جنوبی‌ترین  
قسمت بین النهرين قرار داشت و با تصرف قلمرو پادشاهی  
«ایسین» مرز آن با بابل بسیار گستردۀتر شده بود. عدم یاری  
به بابل در جنگ با عیلام، بهانه دست حمورابی داد تا در جهت  
اجرای برنامه توسعه‌طلبانه‌اش این شهر را نیز به متصرفاتش  
اضافه کند. حمورابی برای جلب حمایت مردم لارسا، طی فرمانی  
دیون را لغو کرد. فتح لارسا باعث شد تا دولت شهرها برای  
همیشه در جنوب برچیده شوند و آن جا برای همیشه یکپارچه  
شود.

بعد از لارسا، نوبت «اشنونا» بود. فصل چهارم کتاب، درباره  
سقوط اشنونا است. حمورابی پس از فتح اشنونا به جای برگزیدن  
فرماندار یا فردی از خانواده سلطنتی اشنونا، به سربازان اجازه داد  
خود پادشاه را برگزینند. اما برگزیده سربازان علیه حمورابی دست  
به اقدام زد. از این رو حمورابی دوباره اشنونا را فتح کرد اما آن جا  
نماند و برای راهیابی به فرات به سمت شمال رفت. نتیجه فتح  
اشنونا، باز شدن راه نفوذ حمورابی به شمال بین النهرين بود.

در فصل پنجم از تفوق حمورابی در شمال بین النهرين صحبت  
می‌شود. نویسنده در این فصل اوضاع بین النهرين شمالی را پس  
از مرگ شمشی ادد بررسی می‌کند و سپس به لشکرکشی‌های  
حمورابی به شمال توجه دارد. حمورابی در کتیبه‌هایش مدعی  
است که شمال را در سال‌های حکومتش زیر سیطرۀ گرفته  
است.

فصل شش به چگونگی سقوط و غارت ماری اختصاص دارد. ماری متخد خوب و مقندر بابل بود زیرا هر دو می‌خواستند  
قدرت‌های دیگر را از صحنه سیاسی کنار بینند و همین مسئله  
روابط آن‌ها را شکننده می‌کرد. نویسنده پس از تشریح موقعیت  
ماری و معرفی پادشاه آن، زیمری لیم، به اختلاف میان دو دولت

دریابیم که اعمال حمورابی بزرگ بود از این رو به درستی نام او را در یادها حفظ کرده است.<sup>۱۱</sup>

کتاب با وجود حجم کم امتیازات زیادی دارد که از میان آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱) تکیه بر اسناد دوران حیات و حکومت حمورابی و نقل قول‌های فراوان از اسناد که می‌تواند خواننده امروزی را با شیوه مکاتبه در آن دوران آشنا کند.

۲) ایجاز در ارائه مطالب و پرهیز از حاشیه روی.

۳) بی‌طرفی در ارائه مطالب و پرهیز از پیش‌داوری‌های نادرست.

۴) ارائه مطالب به صورت سال‌شمار که درک مطالب و پیگیری آن‌ها را آسان می‌کند

۵) وجود واژه نامه‌ای در پایان کتاب که واژگان و نامهای بین‌النهرینی ذکر شده در کتاب را شرح می‌دهد

۶) ارائه بخشی به نام «برای مطالعه بیشتر»، حاوی فهرستی از منابع برای مطالعه بیشتر.

این ویژگی‌ها باعث شده کتاب برای گروه زیادی از خوانندگان سودمند باشد.

#### پی‌نوشت:

\* مارک فان دی میروپ، استاد تاریخ خاور نزدیک باستان در دانشگاه کلمبیا نیویورک و صاحب مقالات و کتاب‌های متعددی است که جدیدترین آنها تاریخ خاور نزدیک باستان (۲۰۰۴) است. از دیگر آثار او می‌توان به شهر در بین‌النهرین باستان (۱۹۹۷) و متون خط میخی و نوشتن تاریخ (۱۹۹۱) اشاره کرد.

۱- برای نمونه می‌توان از شرح دو جلدی دریور و مایلز نام برد که شرح مفصل حقوقی قانون‌نامه است و در اواسط سده بیستم تألیف شده است:

G. R. Diver and Sir J. C. Miles, the -

Babylonian laws 2 vol, Oxford, 1952-1955

از قانون‌نامه دو ترجمه به فارسی وجود دارد.

\* قانون‌نامه حمورابی، ترجمه کامیار عبدی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۶ (ویراست دوم).

\* مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ج ۲، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۳۹۹-۳۷۹.

۲- مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ج ۱، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۳۵

۳- درباره شمشی ادد بنگرید به:

- مجیدزاده، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۴۷ همچنین؛

- P. Vallard, «Shamshi-Adad and Sons: The Rise and Fall of an Upper Mesopotamian Empire», inj.

#### نویسنده برخلاف تصویر

عمومی محققان که  
حمورابی را فردی خود  
رأی و مستبد می‌دانند،  
او را نمونه اعلای  
پادشاه آرامانی در  
بین‌النهرین می‌دانند

سوالاتی از این دست. در این فصل همچنین به سال‌های پایانی پادشاهی حمورابی اشاره می‌شود. به نظر نویسنده چنین می‌نماید که او در اواخر پادشاهی اش مربیض احوال بوده و پس از ۴۳ سال حکومت در سال ۱۷۵۰ پ. م به نفع پرسش کناره‌گیری کرده است.<sup>۱۰</sup>

فصل دهم درباره میراث حمورابی است. در این فصل به شهرت حمورابی پس از مرگش اشاره می‌شود. در جهان باستان تا زمان منسوخ شدن خط میخی، حمورابی فردی شناخته شده و مشهور بود. اما پس از آن تا آغاز حفاری‌های باستانشناسی در عراق طی اواسط سده نودهم میلادی او گمنام بود. با به دست آمدن برخی کتیبه‌ها مربوط به او نامش درباره زنده شد اما نقطه عطف این شناخت کشف قانون نامه اوست که باعث شهرت عالمگیر حمورابی گردید تا جایی که در سال ۱۹۴۹ کنگره Amerika تصویر او را در میان ۲۳ نفری که نقش اساسی در اصول اساسی قانون Amerika داشتند، قرار داد.

در فصل یازدهم و پایانی کتاب، فان دی میروپ بر آن است که تاریخ‌نویس معاصر در هنگام نوشتن زندگی حمورابی

به شکاف‌های بسیاری برخورد می‌کند. از این رو تصویری که از او ارائه می‌شود تصویری پاره‌پاره است.

او در ادامه پس از بررسی ماهیت منابع، به انواع منابع در

نوشتن زندگی نامه حمورابی می‌پردازد که عبارتند از:

۱- اسناد ماری که حاوی مکاتبات کارگزاران زیمری لیم با اوست. اگرچه حمورابی نامه‌های او به زیمری لیم و بالعکس را به بابل منتقل کرد اما باز هم نامه‌های بازمانده شامل مطالبی است که آگاهی‌های بسیاری درباره حمورابی به ما می‌دهد.

۲- نامه‌های حمورابی به کارگزارانش به ویژه در لارسا.

۳- سالنامه‌های حمورابی که درباره حوادث مهم پادشاهی او در طول هر سال است و همه آن‌ها اینک موجود است.

۴- نامه‌هایی که در زمان حمورابی درباره امور اقتصادی، تجاری، ارضی و غیره نوشته شده است.

۵- کتیبه‌های حمورابی به ویژه قانون نامه او. در پایان فصل، مؤلف می‌نویسد: «به روشنی می‌توانیم

نویسنده چنین نتیجه  
می‌گیرد که حمورابی  
پادشاه عدالت است؛  
عنوانی که او مکرراً  
از آن در مقدمه قانون  
نامه‌اش استفاده  
می‌کند



فریمر - کنسکی ، صص ۲۹۲ - ۲۸۴

۷- ویرانه‌های ماری در اواسط سده بیستم توسط باستانشناسان فرانسوی از زیر خاک بیرون آورده شد و همین باعث شد تا مدارک فراوانی درباره اوضاع سیاسی، اقتصادی منطقه به دست آید. درباره ماری بنگردید به:

-J. C. Margueron, Mari: A Portrait in Art of a Mesopotamian City -State, in J. Sassoneds, ibid, pp. 885-900

-A. Kuhrt, ibid, pp. 95-107

مجیدزاده، پیشین، ج ۱، صص ۱۵۶ - ۱۵۳

۸ - توصیف مناسب و کاملی از شخصیت حمورابی به زبان فارسی را می‌توان در کتاب مجیدزاده، ج ۱، ص ۱۳۷ دید. درباره پادشاه آرمانی و اندیشه پادشاهی در بین‌النهرین بنگردید به:  
• پیرویان، ویلیام. سیر تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، تهران، سمت، ۱۳۸۱، صص ۱۲۸ - ۱۲۳.  
• رجایی، فرهنگ. تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، تهران، قومس، ۱۳۷۲، صص ۵۰ - ۳۹ و مجیدزاده، پیشین، ج ۲، صص ۱۵۳ - ۱۵۰.

• J. N. Postgate, «Royal Ideology and State Administration in Sumer and Akkad», in J. Sasson, ibid, Vol. I, pp. 383 - 394

۹- بحث بر سر ماهیت قانون نامه حمورابی، بحثی است طولانی و پردازنه که هنوز هم ادامه دارد و میان بحث‌کنندگان نیز اختلاف همچنان باقی است که آیا این قوانین با توجه به موردی بودن آن قوانین فرآگیری بودند یا نه؟ در این باره بنگردید به بخش دوم کتاب آغاز قانون گذاری (تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان) به کوشش حسین بادامچی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲، مقالات ژان بوترو ریموند و سرت بروک و مارتا رات

۱۰- باید یادآوری کرد همان گونه که نویسنده در ص ۱۴۴ آورده، سندی که نویسنده از آن چنین نتیجه‌ای گرفته، ناقص است و بر سر تفسیر آن میان داشمندان اختلاف وجود دارد.

۱۱- کتاب حاضر، ص ۱۴۵

Sasson (ed) Civilizations of the Ancient Near East, vol. II, Newyork 1995, pp. 873 - 884

۴- دو کتاب دیگر به زبان‌های آلمانی و فرانسوی وجود دارد که به این صورت - یعنی با استفاده از همه منابع موجود به ویژه اسناد مادی - نوشته شده است:

1. H. Klengel, König Hammurapi und der Alitag Babylons Dusseldorf/ Zurich, Atemis und Winkler, 1999

2. D. Charpin, Hammu - rabi de Babylone, Paris Presses Universitaires de france, 2003

همچنین می‌توان به آثار زیر رجوع کرد:

J. Sasson, «King -Hammurabi of Babylon», in J.Sasson (ed) Civilizations of Ancient Near East, Vol II, New York, 1995, pp. 901 - 916

A. Kuhrt, Ancient Neasr east, London, 1995, pp 108 - 117

از میان کتاب‌های فارسی نیز می‌توان به اثر ذیل رجوع کرد:

- مجیدزاده، پیشین، ج ۱، صص ۱۳۸ - ۱۳۲

۵- صدور فرمان دایر بر لتو دیوین، سنتی رایج در بین‌النهرین بود که پیش از حمورابی وجود داشت و پس از او نیز ادامه یافت. برای نمونه می‌توان از فرمان امی صدوق (۱۶۲۶ - ۱۶۴۶) نام برد. البته باید یادآور شد همان گونه که نویسنده مذکور گردیده این فرمان‌ها بیشتر مربوط به بخشش مالیات و قرض‌هایی بود که از دربار دریافت و دیوی را که جهت انجام تجارت وجود داشت شامل نمی‌شد. کتاب حاضر، (ص ۱۱)

۶- اوردالی یعنی توسل به قضاوت الهی، برای تصمیم‌گیری در خصوص پرونده‌هایی است که از راه دیگری قابل حل و فصل نیست و نمی‌توان آن‌ها را حل نشده باقی گذاشت. یک فرد به طور قانونی در معرض آزمایش جسمانی قرار می‌گیرد و براساس پاسخ بدنش او به آزمایش برنده یا بازنده تلقی می‌شود. چنین محاکماتی در تمام تمدن‌های بزرگ تاریخی - به استثنای مصر و چین - رایج و متأول نبود.

محاکمه از طریق اوردالی به گونه‌های بسیاری وجود داشت. متأول ترین آن‌ها عبارت بود از فرو رفتن در آب، نوشیدن معجون‌های متنوع، تماس حاصل کردن با اوردالی‌های گرم که در آن شخص باید شیء خاصی را از مایع جوشان برگیرد، شیء گداخته‌ای را لمس کند، لیس بزند یا روی آن راه برود و یا مسافتی خاص آن را حمل کند (به نقل از تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و حسین بادامچی، تهران، سمت، ۱۳۸۳، صص ۲۸۵ - ۲۸۴). برای تفصیل درباره اوردالی بنگردید به کتاب ذکر شده در بالا و به مقاله «اوردالی روخدانه در بین‌النهرین باستان» نوشته گیوم کارداشیا، صص ۲۵۴ - ۲۸۳ و «اوردالی قضایی»، نوشته تیکوا